

انقلاب سفید

انقلاب سفید یا انقلاب شاه و مردم نام یک زنجیره اصلاحات اقتصادی و اجتماعی در دوره پهلوی در ایران بود. منتقدان تصور می‌کنند محمد رضا پهلوی انقلاب سفید را (که مهم‌ترین بخش آن اصلاحات ارضی بود) به دلیل فشار سیاسی موجود و با تشویق دولت کندی رییس جمهور وقت آمریکا آغاز کرد.

پیشینه

در سال 1338 ش / 1959 م محمدرضا پهلوی کشور متقاعد شد که دست به اصلاحات اجتماعی - اقتصادی بزند بر این اساس از منوچهر اقبال نخست‌وزیر وقت خواست که پیش‌نویس لایحه اصلاحات ارضی را برای ارائه به مجلس آماده کند. طبیعتاً تصویب چنین قانونی با مخالفت مالکان رو به رو می‌شد اما از آنجا که حکومت مجلس را تحت کنترل داشت، تنها راه نجات مالکان تجدیدنظر در لایحه و تغییر آن به ترتیبی بود که اجرائیش را ناممکن سازد.

در اوایل سال 1339 ش / 1960 م نسخه اصلاح شده اصلاحات ارضی از تصویب مجلس - که اکثریت آن را مالکان تشکیل می‌دادند - گذشت. به همین جهت قانون مزبور منافع مالکان را تأمین کرد. بنابر این قانون، هر مالک می‌توانست تا 400 هکتار زمین آبی یا 800 هکتار زمین دیم را برای خود نگاه دارد. در مجموع، مجلس راه‌هایی را پیش‌بینی کرد که حتی‌الامکان مانع از تحقق واقعی اصلاحات ارضی شد و به جانبداری از منافع مالکان پرداخت.

تصویب چنین قانونی نمی‌توانست تغییر اساسی در مناسبات ارضی و اجتماعی ایجاد کند در نتیجه احتمال بروز بحران سیاسی - اجتماعی در کشور می‌رفت و از این رو در اردیبهشت 1340، شاه، علی‌امینی را که از طرف امریکاییها حمایت می‌شد به نخست‌وزیر منصوب کرد تا مجری اصلاحات ارضی شود.

در 24 آبان 1340، شاه فرمانی خطاب به نخست‌وزیر صادر کرد که در آن مفاد برنامه جدید اصلاحات تشریح شده بود و دولت امینی را مسئول اجرای آن معرفی کرد. این همان برنامه اصلاحات موردنظر دولت کندی بود که چند ماه بعد به نام انقلاب سفید خوانده شد. لایحه اصلاحات ارضی در 19 دی 1341 به تصویب رسید. این لایحه اگرچه صرفاً اصلاحیه‌ای بر قانون سال 39 بود اما عملاً یک قانون جدید از کار درآمد. تصویبنامه مزبور نخستین گام در جهت تحقق برنامه اصلاحات ارضی بود که به موجب آن، حدود مالکیت ارضی را به یک ده شش دانگ، یا شش دانگ از چند ده محدود کرد و به مالک اجازه داد تا مازاد املاک خود را به قیمت معین به دولت بفروشد. باغات میوه، کشتزارهای چای، بیشه‌زارها، مزارع مکانیزه و زمینهای وقفی از شمول این قانون مستثنی شدند. با تصویب قانون مزبور، شورایی به نام شورای اصلاحات ارضی تشکیل یافت و براساس تصمیم این شورا، سازمانی به نام سازمان اصلاحات ارضی تأسیس شد.

از آنجایی که اجرای همزمان این قانون در سراسر کشور ناممکن بود، این کار به صورت منطقه به منطقه صورت گرفت. ارسنجانی وزیر کشاورزی، نخست اطراف شهر مراغه را به علت آنکه اغلب مالکان آن دور از املاک خود می‌زیستند و مالک عمده نیز ارضی اعلام شد و چند ماه بعد در مناطق اردبیل، اهر، کرمانشاه و استان‌های فارس و کردستان نیز طرح اصلاحات ارضی به اجرا درآمد. اما در روستاهایی که مشمول اصلاحات ارضی نشده بود، کشاورزان از پرداخت بهره مالکانه امتناع کرده در انتظار تقسیم ارضی بودند این امر دستاویزی برای رژیم شاه شد [نیازمند منبع] تا از سرعت اصلاحات ارضی بکاهد و درصدد تدوین برنامه دیگری برآید. از سوی دیگر شاه که نسبت به جاه‌طلبیهای امینی بدبین شده بود، در تیر ماه 1341 او را وادار به کنارگیری کرد. با استعفای امینی، دولت اسدالله علم روی کار آمد. در کابینه علم، ارسنجانی همچنان به عنوان وزیر کشاورزی مجری اصلاحات ارضی بود. اما چند ماه بعد او نیز که از قدرت قابل توجهی برخوردار شده بود، بنا به درخواست شاه از مقام خود استعفا داد. پس از برکناری ارسنجانی، سپهبد اسماعیل ریاحی به وزارت کشاورزی منصوب شد.

انتصاب ریاحی به سمت مزبور مقارن با اجرای مرحله دوم اصلاحات ارضی در کشور بود. هدف مرحله دوم، تخفیف ناراضیاتی کشاورزانی بود که مشمول مرحله اول نشده بودند. به علاوه حل منازعاتی بود که در مرحله اول بین مالکان و زارعان به وجود آمده بود. قانون مرحله دوم که به قانون الحاقات اضافی شهرت یافت. نخستین بار در 27 دی 1341 منتشر شد و پس از تغییراتی در 13 خرداد 1342 از تصویب مجلس گذشت. اجرای عملی آن نیز از تاریخ 3 اسفند 1343 آغاز شد. اما مرحله دوم اصلاحات ارضی نیز موجب ناراضیاتی شدید اجاره‌داران و درگیری بین آنها و مالکان گردید. و به همین جهت مرحله سوم اصلاحات ارضی در مهر ماه 1347 با تقدیم لایحه تازه‌ای به مجلس شورای ملی آغاز شد. عمده‌ترین دلایلی که باعث اجرای این مرحله شد عبارت بود از :

1. ناراضیاتی اجاره‌داران و وجود تنش‌های فزاینده بین آنها و مالکان

2. غیر مؤثر بودن اصلاحات ارضی مرحله اول و دوم بر سطح تولید کشاورزی.

قانون مرحله سوم پس از جرح و تعدیلهایی از سوی مجلس شورای ملی و مجلس سنا در اسفند 1349 به تصویب رسید. به موجب این قانون مالکانی که زمین خود را به کشاورزان اجاره داده یا همراه با کشاورزان یک واحد زراعی تشکیل داده بودند. موظف به فروش زمینها به اجاره‌داران شدند یا آنکه آن را بین خود و کشاورزان تقسیم نمایند. آخرین مهلتی که برای اجرای این قانون تعیین شد، روز 31 شهریور 1350 بود. مالکین موظف شدند که تا این تاریخ با کشاورزان به توافقی دست یابند و در غیر این صورت اداره اصلاحات ارضی با مداخله خود وضعیت مالک و کشاورز را معین می‌کرد. مرحله سوم اصلاحات ارضی در یکم مهر 1350 به پایان رسید اما این قانون نیز به طور جدی اجرا نشد. در مجموع با اجرای مراحل سه‌گانه اصلاحات ارضی، اختلافات میان کشاورزان و مالکان به طور کامل رفع نشد و روز به روز از سطح تولید کشاورزی کاسته گردید. در نتیجه طرح اصلاحات ارضی که در راستای منافع امریکا در ایران اجرا شد نه تنها موجب بهبود مناسبات ارضی در کشور نشد بلکه باعث از بین رفتن کشاورزی بومی [نیازمند منبع] و وابستگی هر چه بیشتر ایران به محصولات کشاورزی دول خارجی [توضیح] شد.

موارد اصلاحات

محمدرضا شاه پهلوی قصد داشت تا با این اصلاحات با روشی غیرخوشنوتی جامعه و اقتصاد ایران را امروزی کرده و در درازمدت پیوند آن با جامعه و اقتصاد جهانی را تسهیل کند. وی برای تصویب اصلاحات خود همه‌پرسی‌ای از مردم ایران در 6 بهمن 1341 به عمل آورد. دولت اعلام کرد که ملت ایران به اصول شش‌گانه "انقلاب سفید" که بعدها شمار آنها فزونی یافت، با اکثریتی قاطع رأی موافق داده اند.

در همه‌پرسی به زنان نیز حق رأی داده شده بود. به علاوه حکومت شاه با برخی نوگرایی‌ها مانند برابر شمردن تلویحی قرآن با دیگر کتابهای آسمانی، یا سرپیچی از برخی موازین شرعی در تقسیم زمین میان دهقانان، ناخشنودی و خشم روحانیون را برانگیخته بود.

مخالفت اسلامگرایان

پیشوایان دینی به برنامه اصلاحات شاه حمله بردند و آن را با بنیادهای شریعت اسلام مغایر دانستند. از همه تندتر آیت الله خمینی بود که همه‌پرسی را "نامشروع" خواند و آن را تحریم کرد. او مردم را به مقابله با حکومت شاه فراخواند. بسیاری از محافل مذهبی و لایه‌های سنتی جامعه مانند بازار تهران به ندای او پاسخ گفتند.

به دنبال اعلامیه‌های اعتراض آمیز پیشوایان دینی و به ویژه سخنرانی‌های بسیجنده آیت الله خمینی، خشم و غضب در میان لایه‌های مذهبی جامعه بالا گرفت. در شهرهای قم و مشهد، که پایگاه‌های اصلی روحانیون به شمار می‌رفتند، ناراضیان در اعتراض به اقدامات حکومت به خیابان آمدند.

دوم فروردین 1342 نظامیان به مدرسه فیضیه قم یورش بردند و تجمع روحانیان هوادار آیت الله خمینی را با خشونت سرکوب کردند. اما دامنه تظاهرات اعتراض آمیز گسترده شد و به تهران و شهرهای دیگر کشید.

در شرایطی که اوضاع برخی شهرها در ایران ناآرام بود روز 15 خرداد حکومت در قم به دستگیری آیت الله خمینی اقدام کرد. او چندی بعد در 13 آبان 1343 به ترکیه تبعید شد.

پس از پیروزی انقلاب ایران در سال 1357 ه.خ. (1979 میلادی) و به قدرت رسیدن قشر مذهبی، شورای نگهبان در تاریخ 21 تیر 1363 اجرای قوانین اصلاحات ارضی را مخالف با مذهب اسلام تشخیص داد و روند اصلاحات ارضی بطور کلی متوقف شد. البته علیرغم مخالفت برخی روحانیون، مجمع تشخیص مصلحت نظام در 2 خرداد 1370 ادامه روند اصلاحات ارضی را قانونی اعلام نمود و تعیین تکلیف امور باقیمانده اصلاحات ارضی دوباره از سر گرفته شد.